



۱۴
ناشنوایی با غوغای ژن‌های مغلوب



۱۶
کسی از جبهه غرب خبر دارد؟

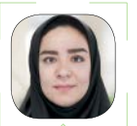
۱۵
۷ پرچمدار فرانکفورت
با پرطرفدارترین خودروهای سواری معرفی شده در نمایشگاه فرانکفورت ۲۰۱۹ آشنا شوید



منصور ضابطیان که تابه‌حال به ۴۰ کشور سفر کرده معتقد است مقایسه جوامع مختلف برای بررسی معضلات اجتماعی کار درستی نیست

در آستانه روز جهانگردی با منصور ضابطیان درباره تاثیر جهانگردی در تغییر نگاه افراد گپ زدیم

# هیچ جا خونه خودآدم نمیشه!



نرگس خانعلی زاده
جامعه

**شاید حق دارند. در سه چهار روز و نهایت یك هفته‌ای که در سفر بوده‌اند، همه‌چیز قشنگ و زیبا بوده است؛ ترافیك و آلودگی و بیکاری به چشم‌شان نخورده است و حالا هم حق دارند از زیبایی‌ها و قشنگی‌های جامعه‌ای که دیده‌اند برای دیگران تعریف کنند. این روایت کسانی است که بعد از سفر به یکی از کشورهای شاید اروپایی، ایران را در ته فهرست جوامع موفق قرار می‌دهند و از برتری‌های جامعه‌ای که دیده‌اند می‌گویند. اما واقعا ماجرا همین است؟ این سوالی بود که از منصور ضابطیان پرسیدیم؛ کسی که از ۲۰۵ کشوری که در دنیا وجود دارد، به ۴۰ کشور سفر کرده است و با نگاهی ماجراجویانه در جامعه و زندگی مردم آن کشور، تجربه‌های متفاوتی کسب کرده است. به مناسبت روز جهانگردی با او درباره مسائل اجتماعی در کشورهایی که دیده است حرف زدیم؛ واقعا آنجا همه‌چیز گل و بلبل است و هرچه ترافیك و آلودگی و شلوغی هست، برای جامعه ما است؟**

وقتی از معضلات اجتماعی می‌گوییم، منصور ضابطیان به آنها به عنوان بدیهی‌ترین مشکلات همه جهان اشاره می‌کند؛ مشکلات و معضلاتی که در هر جایی کم و زیاد دارد، اما این‌که اصلا وجود نداشته باشد، اصلا روایت درستی نیست: «هر جامعه‌ای مشکلات مخصوص به خودش را دارد؛ اما مسائلی مانند ترافیك، آلودگی، فقر، بیکاری، سالمندی و... در همه‌جای دنیا وجود دارد. کم و زیاد دارد، اما هیچ‌وقت این‌طور نیست که مثلا بگوییم ترافیکی اصلا وجود ندارد؛ البته که کشور به کشور فرق دارد. هرچقدر کشوری توسعه‌یافته‌تر باشد، مقوله‌ای مثل ترافیك در آن کنترل شده‌تر است و هرچقدر از فضای قانونمند فاصله گرفته باشد، طبیعتا ترافیك هم مشکل بزرگ‌تری در آن جامعه محسوب می‌شود. مساله‌ای که من در این سال‌ها دیدم این بود که ترافیك، معضل کل جهان و بشر است. جالبی ماجرا این است که ترافیك از آن مساله‌ها است که مشکل و راه‌حلش در تمام دنیا یك‌شکل است و هرکجا که حمل و نقل عمومی تعریف شده‌تر و وسایل بهتری وجود داشته باشد، ترافیك کمتر است و هر جا که از این ماجرا فاصله بیشتری گرفته باشد و برای استفاده مردم از حمل و نقل عمومی، فرهنگ‌سازی نشده باشد، طبیعتا ترافیك هم بیشتر است؛ این قانون در همه جای دنیا یك شکل است.»

## از تفاوت‌ها بگو

در بین همه این ۴۰ کشوری که دیده‌اید، کشوری هست که ترافیك‌هایی پیچیده‌تر از کشور ما داشته باشد؟

«واقعیت این است که مقایسه جوامع مختلف در بررسی معضلات کار درستی نیست. مثلا کشوری مثل لبنان در مقابل شش میلیون جمعیتی که دارد، ۱/۵ میلیون ماشین دارد که خب طبیعی است که ترافیك بیشتری داشته باشد. در واقع، این موضوعی بدیهی برای شهرها و کشورهای کوچك است که مشکل ترافیکی بزرگ‌تری نسبت به سایر کشورهای دنیا دارند. از طرف دیگر، آمریکا کشور بزرگ‌تر و پهناورتری است، مرزهای وسیعی دارد، شهرها قدیمی نیستند و تازه تاسیس شده‌اند؛ یعنی این شهرها در دورانی تاسیس شده که ماشین وجود داشته و طبیعتا فکر درست کردن بزرگراه‌ها، ترافیك کمتری را به شهر منتقل می‌کند. برای همین است که نمی‌توانیم بگوییم مثلا تهران ترافیك کمتری دارد یا جایی دیگر.»

## کشتن با زندگی کردن فرق دارد

منصور ضابطیان می‌گوید، هیچ‌وقت پیش نیامده وقتی از کشوری به ایران برمی‌گردد، ته دلش این فکر بگذرد که کاش ساکن آنجا بودم: «واقعیت این است شرایطی که شما در طول سفر و در کشور دیگر تجربه می‌کنید، بسیار با شرایط جایی که در آن زندگی و کار می‌کنید، تفاوت دارد. شما در سفر، مشکلات ترافیك را در پر ترافیك‌ترین شهر دنیا هم احساس نمی‌کنید اما وقتی در شهری زندگی می‌کنید یا کار و درس دارید، ترافیك تازه به چشم‌تان می‌خورد و ممکن است اذیت‌تان کند. مثلا یادم هست که برای پروژه‌ای به سئول رفته بودم و چون باید مسیری را برای کارم رفت و آمد می‌کردم و سر ساعت به جایی می‌رسیدم، ترافیکش واقعا برایم آزاردهنده بود. اما از طرف دیگر شهر نایروبی در کنیا ترافیك‌های سنگینی داشت اما من را به عنوان مسافر آزار نمی‌داد؛ موضوعی که مشخص بود برای ساکنان شهر اذیت‌کننده است.»

## تنهایی همه پیرهای دنیا

از دیگر مشکلات بشر در نقاط دیگر دنیا که حرف می‌زنیم به سالمندی می‌رسیم؛ موضوعی که به نظر می‌رسد معضل مشترك همه کشورهای جهان است: «چیزی که همیشه برایم جالب بوده این است که همه جهان و همه جوامع گریبانگیر سالمندی است؛ چیزی که من در سفرهایم دیدم این بود که جهان به سمت پیر شدن پیش می‌رود. حتی در کشورهایی که جمعیت جوان نسبتا خوبی هم دارد، سالمندانش اکثرا تنها بوده و جوان‌ها مشغول فعالیت‌های روزمره‌شان هستند اما راه‌حل‌هایی هم برایش ایجاد کرده‌اند. در بسیاری از کشورها سعی می‌کنند امید به زندگی را بالا ببرند، سر سالمندان‌شان را گرم کنند و همین‌ها باعث می‌شود سالمندان آن کشور احساس پوچی نکنند. موضوع مهم هم این است که معضل همه سالمندان در همه دنیا مشکل تنهایی است و اتفاقا این اصلا چیزی که تنها به جامعه ما مربوط باشد.»

## مهاجرت برای من یا برای شما؟

خوشبختی آنجا نیست؟ آن‌طرف مرزها؟ در جوامع پیشرفته و قانونمندی که ظاهرشان دل آدم را می‌برد؟ این مهم‌ترین سوالمان از آقای ضابطیان بود؛ سوالی که به دنبال جواب مهاجرت برایش بودیم اما پاسخی متفاوت گرفتیم: «اگر واقعیت را بخواهید باید بگویم نه این‌طور نیست. مهاجرت پدیده پیچیده‌ای است که با شخصیت و ویژگی‌های هر فردی ارتباط پیدا می‌کند. گاهی ممکن است مهاجرت راه نجات برای آدمی باشد اما برای کسی دیگر آغاز سقوطش باشد. در واقع هرکسی با توجه به توانایی‌ها و دلبستگی‌ها، اخلاق و رفتار و روابط اجتماعی و بسیاری از عناصر موثر در زندگی‌اش، می‌تواند تشخیص بدهد که مهاجرتش موفق یا غیرموفق خواهد بود. در حقیقت مجموعه این عوامل می‌تواند راه درست را به مانشان بدهد. این‌که شما فکر کنی کسی که مهاجرت می‌کند و ظاهرا به جایی با امکانات بهتر می‌رود، خوشبخت خواهد شد، برداشت بسیار غلط است؛ هرچند برعکس آن هم اشتباه است و این موضوع که به خودمان و اطرافیانمان القا کنیم با مهاجرت بدبخت می‌شویم، اصلا تفکر درستی نیست. درباره شخص خودم می‌توانم بگویم با توجه به این‌که زندگی در کشورهای مختلف را دیده‌ام، می‌دانم مهاجرت کردن راه‌حلی منطقی برای من نیست، ولی برای فردی دیگر شاید باشد.»

## خوشبختی جای دیگری است

زیبایی، نظم و امکانات مختلفی که در سفرها دیده است، هیچ‌وقت ضابطیان را برای زندگی در یکی از آن شهرهای ایده‌آل وسوسه نکرده است: «حالا و با توجه به تجربه‌ام در طول این سفرها، دیگر می‌دانم شرایط ایده‌آل و امکانات رفاهی کافی به این معنا نیست که وقتی این شرایط را دارید احساس خوشبختی می‌کنید. بله درست است؛ اینها ابزارهایی برای خوشبختی هستند اما واقعیت این است داشتنشان برای خوشبختی کافی نیست. طبیعتا چنین شرایطی ممکن است برای هر کسی رفاه بیاورد اما خوشبختی مفهوم دیگری است که لابه‌لای اینها نمی‌توانیم آن را پیدا کنیم. اگر یك‌سری مسائل اولیه در جامعه‌مان حل شود زندگی مرفه‌تری خواهیم داشت، اما به جرات می‌توانم بگویم این را فهمیده‌ام که زندگی مرفه به معنای زندگی خوب و خوشبختی نیست.»

## مقایسه ممنوع

اصلا مگر می‌شود جا به جای دنیا را دید و آن را با جایی که در آن زندگی می‌کنید، مقایسه نکنید؟ ولی انگار می‌شود: «هر جامعه‌ای شرایط خاص خودش را دارد. هر اقلیم و هر کشوری، مبتنی بر تاریخی که دارد، مبتنی بر اخلاق مردمانش، مبتنی بر شرایط اقتصادی و اجتماعی و عوامل دیگر، دارای وضعیتی است که فقط و فقط مختص به همان‌جا و ویژه همان نقطه است. پس مقایسه مثلا کشور خودمان با جایی دیگر که اصلا هیچ‌کدام از آن شرایط را ندارد، واقعا درست نیست. مثلا نمی‌توانیم کشور ایسلند را که نقطه‌ای دورافتاده و البته مرفه در اروپاست با شرایط اجتماعی ایران که مشکلات متفاوتی دارد، هزاران اتفاق تاریخی را از سر گذرانده و حتی شرایط اقلیمی بسیار متفاوتی دارد مقایسه کنیم و بگوییم چرا آنجا آن‌طوری است و اینجا این‌طوری؟»

## جایی که زمینش سفت است

بازگشت از پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا هم نتوانسته است نگاه منصور ضابطیان را به کشور و جامعه و مردم خودش عوض کند: «هر بار و بعد از هر سفر، وقتی به ایران برمی‌گردم، احساس می‌کنم خانه‌ای دارم که من متعلق به آنجا هستم. تجربه به من ثابت کرده است که انسان در بهترین سفرها که خیلی هم به او خوش می‌گذرد، وقتی به کشورش برمی‌گردد احساس می‌کند تنها در سرزمین خودش است که زمین زیر پایش سفت است، نه در هیچ جای دیگر و این تفکر حس خیلی خوبی به من می‌دهد که باعث می‌شود اینجا را دوست داشته باشم. من فکر می‌کنم جامعه‌بینی چیزی نیست که با یك بار سفر و دیدن آدم‌های متفاوت، نگاه‌مان به کشور و جامعه و مردم خودمان عوض شود. طبیعتا ممکن است در طول سال‌ها، جهان‌بینی کسی که دنیا را دیده است عوض شود، اما نگاهش به جامعه خودش نه.»

## قطعه پازلی از یك جامعه

به نظر می‌رسید کسی که چندین و چند جامعه با فرهنگ و منش متفاوت را از نزدیك دیده و لمس کرده است، قطعا می‌تواند جامعه زیبا را به ما معرفی کند: «احساس آرامش یك حال درونی است که اگر آن را داشته باشی، جامعه‌ات هم زیباست و اگر نداشته باشی، حتی با زندگی در زیباترین خانه‌ها و موفق‌ترین جوامع هم چنین حسی پیدا نمی‌کنی و نمی‌توانی جامعه زیبا را پیدا کنی؛ جامعه‌ای که آدم‌هایی با حال خوب یا بد آن را می‌سازند و ما هم عضوی از همان اجتماع هستیم که زشت و زیبایش را می‌سازیم. جهان‌گردی، جهان‌بینی خاصی را به من اضافه کرد؛ باعث شد بتوانم مدارای بیشتری با دیگران، با مشکلاتم و با آن چیزی که در جامعه هست داشته باشم. مدارایی با همه آن خوب و بدهایی که در جامعه‌مان وجود دارد و مختص به خود ماست و باید آنها را بپذیریم. من معتقدم باید آنها را بپذیریم و بدانیم که این موضوعات بر دوش ماست و به لحاظ تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی باید با آنها کنار بیاییم.»

## جهانگردی در لابه‌لای کتاب‌ها

این روزها دیگر تقریبا همه منصور ضابطیان را به سفرنامه‌هایش می‌شناسند؛ سفرنامه‌هایی که آن‌قدر روان و شیرین است که هرکسی را به فکر تجربه گشت‌وگذار در آن کشورها بیندازد. تعداد چاپ‌های مجدد کتاب‌های او نشان می‌دهد خواندن ماجراهایی که در سفر به کشورهای مختلف دنیا برایش اتفاق افتاده برای مردم جالب است. این‌که آنجا چه خبر است، مردم چه شکلی‌اند، چه رفتاری دارند، وضع مالی‌شان چطور است و چقدر خوشبخت هستند، اصلا مردم در جایی غیر از ایران چطور زندگی می‌کنند... موضوعاتی که اتفاقا منصور ضابطیان با جزئیات درباره‌اش حرف می‌زند و برای خوانندگان کتابش به زیبایی تعریف می‌کند. به مناسبت روز جهانگردی، مروری بر همه سفرنامه‌های او داشتیم.

**مارك‌وپلو:** اولین تجربه سفرنامه‌نویسی منصور ضابطیان در کتاب مارك و پلو است. او در این کتاب از خاطراتش در مواجهه با اتفاقات متفاوت در کشورهای فرانسه، اسپانیا، لبنان، هندوستان، ایتالیا و اتریش، ارمنستان، کره جنوبی و آمریکا گفته است؛ کشورهایی که حتما هرکدام دنیایی از ماجرا به دنبال داشته‌اند، اما روایت‌های کوتاهی از آنها در این کتاب نوشته شده است.

**مارك‌دوپلو:** مارك و پلو آن‌قدر مورد استقبال خوانندگان قرار گرفت که ضابطیان را به فکر نگارش خاطراتش از دیگر کشورهایی که به آن سفر کرده بود و در مارك‌وپلو به آن نپرداخته بود انداخت. کشورهایی مثل کنیا، بلژیك، چك، هلند، آلمان، پرتغال، یونان، عراق و برزیل که به اندازه خاطرات کتاب اول خواندنی هستند.

**برگ اضافی:** این کتاب تکمیل‌کننده دو کتاب قبلی او است؛ چیزی شبیه مرور خاطرات کوتاه از همه کشورهایی که در دو کتاب قبلی درباره‌اش خوانده بودید. در واقع منصور ضابطیان در برگ اضافی درباره کشور جدیدی حرف نزده، اما خاطرات شیرین و به‌جامانده از کتاب‌های قبلی را برای خوانندگان تعریف می‌کند.

**سباستین:** سباستین روند سفرنامه‌نویسی به شکل سه کتاب قبلی را شکست؛ این‌طور که این کتاب به طور اختصاصی به مجموع خاطرات سفر ضابطیان به کشور کوبا می‌پردازد. این‌که چرا اسم کتاب سباستین است و چه ارتباطی به کوبا دارد هم بهتر است خودتان بخوانید؛ چون اگر قصد خواندنش را داشته باشید و علت نامگذاری‌اش را بدانید، دیگر مزه‌اش از بین می‌رود.

**چای‌نعنا:** دومین کتابی که ضابطیان به‌طور اختصاصی درباره یك کشور نوشت، چای نعنا و سفرنامه کشور مراکش است. اگر شما هم با شنیدن نام مراکش یاد فیلم کازابلانکا و همفری بوگارت افتاده‌اید، خواندن چای‌نعنا را از دست ندهید.

**موآ:** تازه‌ترین و آخرین سفرنامه منصور ضابطیان و خاطرات سفرش به کشور ویتنام است. به نظر می‌رسد استقبال از موآ در مراسم رونمایی‌اش آن‌قدری بود که ضابطیان به فکر نوشتن سفرنامه‌ها و کتاب‌های بعدی‌اش باشد.

## حق با شماست

info@jamejamdaily.ir
روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

**# مترو-توقف**
**عالمیان از تهران:**
در دو سال اخیر و با تغییر شهردار تهران، هیچ پیشرفت کاری در ساخت و افتتاح ایستگاه‌های مترو مشاهده نشده، این درحالی است که در دوره قبل شهرداری، هر ماه یك ایستگاه افتتاح می‌شد.

**# شیر-دانش-آموز**
**قلندری از تهران:**
از وزارت آموزش و پرورش درخواست می‌شود در سال جدید تحصیلی نسبت به تهیه و توزیع شیر برای دانش‌آموزان اقدامات جدی صورت دهد.

**# دارایی-شفافیت**
**سادات از گرگان:**
ارائه فهرست دارایی‌های ریاست محترم قوه‌قضاییه نشان‌دهنده زندگی متوسط وی و صداقت با مردم است، این درحالی است که بعضی از مدیران حتی از ارائه فیش حقوقی خود طفره می‌روند.

**# لبنیات-گرانی**
**سجادی از تهران:**
تاکی مردم باید گرانی لبنیات را تحمل کنند؟ هر چند ماه یك بار کارخانه‌های لبنی اقدام به گران کردن محصولات خود می‌کنند و دولت نیز هیچ واکنشی نشان نمی‌دهد.

**# چهره‌های-مشهور**
**طاهری از تهران:**
بعضی از چهره‌های مشهور در صفحات مجازی اظهارنظراتی متفاوت با عقاید مردم می‌کنند و خود را در همه امور کشور دخالت می‌دهند. از قوه محترم قضاییه درخواست می‌شود با این افراد برخورد کند.

**# توصیه-رویا**
**حسن‌زاده از تهران:**
پزشکان به طور دائم، تغذیه مناسب کودکان را برای خانواده‌ها یادآوری می‌کنند و استفاده از گوشت، چهارمغز و... را مورد تاکید قرار می‌دهند. آیا درآمد مردم کفاف خرید این اقلام را می‌دهد؟

**# یاسینی-سرعت**
**ایمن از تهران:**
حداکثر سرعت در بزرگراه یاسینی ۸۰ کیلومتر در ساعت است، درحالی که این بزرگراه بسیار خلوت و سه بانده است. چرا قوانینی که برای بزرگراه‌های پرتردد گذاشته می‌شود در بزرگراه‌های خلوت نیز اجرایی می‌شود؟ بهتر است در این مورد بازنگری شود.

**# قدرت-خرید**
**خزایی از تهران:**
دولت محترم همان‌طور که فکر و ذکرش حذف یارانه مردم است، کمی به فکر افزایش قدرت خرید مردم باشد.